

چگونه

نسیجه

بخوانیم

کیت انسل پیرسون

ترجمه: سیمون کریچلی

تیمه لایلا کوچک منش



نشرنی

www.ketab

کیت انسل پیرسون استاد فلسفه و مدیر تحقیقات تکمیلی در دانشگاه واریک است. مقدمه‌ای بر نیچه به مثابه‌ی متفکری سیاسی: هیچ‌انگار تمام‌عیار و نیچه علیه روسو از جمله تألیفات او هستند. پیرسون ویراستار مجموعه‌مقالات درباره‌ی نیچه «Nietzsche Reader» است و به سمت ویراستار *Blackwell Companion to Nietzsche* نیز برگزیده شده است.

- سرشناسه: انسل پیرسون، کیت، ۱۹۶۰ — Ansell-Pearson, Keith
- عنوان و نام پدیدآور: چگونه نیچه بخوانیم/ کیت انسل پیرسون؛ ترجمه‌ی لیلاکوچک‌منش.
- مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۹۶.
- مشخصات ظاهری: ۱۶۷ ص.
- شابک: 978-964-185-517-0
- یادداشت: چاپ قبلی: رخ داد نو، ۱۳۸۸.
- یادداشت: عنوان اصلی: *How to Read Nietzsche*
- موضوع: نیچه، فریدریش ویسلهلم، ۱۸۴۴-۱۹۰۰ م. Nietzsche, Friedrich Wilhelm
- شناسه افزوده: کوچک‌منش، لیل، ۱۳۴۸ — مترجم.
- رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ج ۸ الف/ ۸۳۳۱۷ BT
- رده‌بندی دیویی: ۱۹۳
- شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۳۸۳۰۳

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان



چگونه نیچه بخوانیم

کیت اتسل پیرسو

مترجم لیلا کوچک‌منش

ویراستار علیرضا خالقی

چاپ اول تهران، ۱۳۹۶

تعداد ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی نقش

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،
به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)
بدون اجازهٔ مکتوب ناشر ممنوع است.

شابک ۵۱۷ ۱۸۵ ۹۶۴ ۹۷۸

www.nashreny.com

فهرست مطالب

۹	مقدمه‌ی مترجم
۱۳	قدردانی
۱۵	پیشگفتار ویراستار مجموعه: چگونه باید خواند؟
۱۷	مقدمه
۲۵	۱. دهشت هستی
۳۷	۲. انسانی، بسیار انسانی — فلسفه‌ی تاریخی در برابر فلسفه‌ی متافیزیکی
۵۱	۳. سرور نیچه
۶۳	۴. درباره‌ی حقیقت و شناخت
۷۵	۵. حافظه و فراموشی
۸۵	۶. زندگی زن است یا، والاترین زیبایی‌ها
۹۹	۷. سنگین‌ترین بار
۱۱۱	۸. فراتر از انسان
۱۲۵	۹. هیچ‌انگاری و خواست نیستی
۱۳۷	۱۰. بنگرید انسان را

۱۴۹	ضمیمه
۱۵۳	گاه‌شمار زندگی نیچه
۱۵۷	چند پیشنهاد برای مطالعه‌ی بیش‌تر
۱۶۱	نمایه

مقدمه‌ی مترجم

ما هماره از یاد می‌بریم نه فربه‌شوکاریم. در اعماق دریای زندگی، در زمینی بی‌مرجان و آلوده، به کار کاویدن شش‌هاییم غافل از آن‌که هر آن‌چه به کناری ریخته‌ایم هر لحظه با موجی دوباره به درون گردال کوچک آرزوهایمان می‌ریزد و آن را پر می‌کند. و ما هر بار از یاد می‌بریم که عمری است فقط یک نقطه را کنده‌ایم، با دست‌هایی گندکار و نفسی که سر در می‌برد، با چشم‌هایی که از شن‌پراکنی کند و - کاومان تار می‌شود. در این میان به یک نجات است؛ نه نجاتی که می‌رهاند و «خلاص می‌کند»؛ نیچه نه کنش است نه ساحل؛ نه تسلا است نه مرگ؛ نیچه دریاست، دریایی که این بار ساحل و کف و موج و مرجان و آسمانش به هم در پیچیده‌اند؛ دریایی که پل است میان آسمان و زمین. دریایی که نیچه در برابر خستگی‌هایمان می‌گشاید نه آرام‌بخش است و نه نویددهنده‌ی هیچ گنجی؛ دریای تازه‌ی نیچه هولناک است و حتا در عمیق‌ترین آب‌ها طوفان‌خیز. بی‌طوفان نه امید ساحلی است - اگر ساحلی هست - و نه آرزوی به آسمان برشدنی - اگر آسمانی باشد. جهان نیچه یک دریاست پر از آسمان و مملو از قصرهای شنی که لذت ویران کردن‌شان را تنها کودکانی‌های

ماست که درخواست یافت. نیچه اندیشه‌ای بود بزرگ‌تر از تنی که در آن خانه داشت. اگرچه وی پیرو و سرسپرده نمی‌خواهد اما اگر بتوان شیفتگی را از سرسپردگی و کوردلی خالی کرد شاید شیفته همان چیزی باشد که می‌خواهد. فلسفه‌ی نیچه، فلسفه‌ی زندگی است. فلسفه‌ی او به خلاف اغلب فلسفه‌ها در کارهایی عملی برای زیستن ارائه می‌دهد؛ آن‌ها گره از کار فرد انسان می‌کشایند. حرف‌های او را نمی‌توان تنها در ذهن نگاه داشت. اگر تیغ او بر جان خود نیفتد نشسته باشد او را آرام نخواهد گذاشت. نیچه زخم می‌زند و مرهم نمی‌دهد. نیچه، خواهاننده را به جست‌وجو وامی‌دارد. پاسخ‌های او پرسش‌های بیش‌ترند. با نیچه می‌توان آرام‌نشستن ناممکن است.

دنیای امروز، چنان پر از محرک‌هاست و چنان هر دم همه‌ی حس‌های ما تا بی‌نهایت تحریک می‌شود که حالا دیگر کرخت شده‌ایم. ما دیگر هیچ چیز احساس نمی‌کنیم. صداها، گوش‌خراش می‌خواهیم و نورافکن تا مطمئن شویم که می‌شنویم و می‌بینیم. برای انسان معاصر همه چیز یک چیز است، همه چیز چنان یکنواخت و یک‌دست است که تفاوت‌نهادن را ناممکن می‌کند. حالا دیگر بژمن پاره‌ای از همین دنیای همگرا شده است و برای آنانی که در جست‌وجوی کرختی نجات نیستند هیچ جذابیتی ندارد. در نگاه آنان لباس دلقکی خستگی‌ناپذیر زیباتر است از نقاب و شلوار سیاه نجات‌دهنده‌ای که خود حنا از خود خسته و بیزار است. حالا برای بودن، حس‌کردن، شنیدن و دیدن باید ژوکر بود. ژوکر که برمی‌گزیند؛ از انتخاب نمی‌هراسد و در برابر همه چیز به خود آری می‌گوید. ژوکر که ارزش خندیدن در رنج را می‌داند و چون نیچه می‌پرسد چرا این قدر جدی؟ چرا این چنین عبوس؟

دنیای نیچه، دنیای یکه‌ای است که هرگز از نوبی باز نمی‌ایستد.

و اما این کتاب:

این کتاب همان چیزی است که می‌گوید، نه کم و نه بیش. انتظاری بیش از

توضیح تعدادی از گزین‌گویه‌های نیچه از آن داشتن بیهوده است و البته برای فهم این قطعات توضیحات آن بسیار روشنگر و کافی‌اند. بهتر است همه‌ی گزین‌گویه‌هایی که در متن به آن‌ها پرداخته می‌شود یا حتی تنها نامی از آن برده می‌شود به‌دقت از سوی خواننده در کتاب‌های نیچه دوباره خوانی شوند. خواندن این کتاب آغاز خوبی برای آشنایی با نیچه است زیرا هم قطره آبی به دهان خواننده‌ی تشنه می‌ریزد و با تردستی بسیار او را بیش از پیش تشنه می‌کند تا شاید این بار خود او به جست‌وجوی دریای نیچه برآید؛ و هم گام خوبی است برای بهتر شدن او، زیرا اغلب گزین‌گویه‌های مشهور او را به‌خوبی توضیح می‌دهد؛ طعانتی که شاید به‌دلیل همین شهرت از جانب بسیاری دانشجویان فلسفه مورد کینه و راز گرفته‌اند.

به عقیده‌ی من اسکالا، اصل کتاب نادیده‌گرفتن تفسیر حیات‌بخش دلوژ از نیچه است. بسیاری از انتقادهای ویسند به نیچه با رجوع به خوانش دلوژ از وی از میان خواهند رفت. این تنها نادیده‌خواننده را هرچه بیش‌تر به خواندن آثار نیچه ترغیب نماید. از مفسران اثرشده در کتاب، آلن بدیو از تأثیرگذارترین آن‌ها در دوران معاصر است.

لیلا کوچک‌منش